



دکتر اکبر منصوری نسب رئیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر در آستانه شروع سال تحصیلی جدید با صدور پیامی، آغاز سال تحصیلی جدید که شروع فرا گرفتن دانش و مهارت در دانشگاه فنی و حرفه‌ای می باشد، محضر همه دانشجویان عزیز، استادان و کارکنان تبریک عرض می کنم و حضور دانشجویان نوورود را خوش آمد می گویم و آتیه درخشانی برای ایشان آرزومندم.

۱

۲



۳

دل نوشته همکاران در فراق همکار
بتول عبدی



bushehr.tvu.ac.ir

سخن مدیر مسئول نشریه اندیشه نو

مادران و پیران از قدیم گفته اند: هنر و فنی بیاموزید که در زندگی مثمر ثمر خواهد شد. نقل است که پسر پادشاه عاشق دختری شد. وقتی مراسم خواستگاری برگزار گردید، دختر پرسید: داماد چه هنر و حرفه ای را بلد است؟ پسر پادشاه پاسخ داد: من هیچ حرفه و فنی را بلد نیستم. دختر شرط اول قبولی خواستگاری را یادگیری فن و حرفه ای دانست. پسر پادشاه در کوتاه ترین زمان حصیر بافی را یاد می گیرد و سپس دوباره مراسم خواستگاری و در ادامه ازدواج صورت می گیرد. یکی از کشورهای همسایه به آن کشور حمله می کند و پسر پادشاه یا همان داماد جدید اسیر دست دشمن می شود. پسر پادشاه در زمان اسارت به دشمن می گوید: من پسر پادشاه هستم و اگر پادشاه بداند من اسیر شما هستم به شما غنائم بسیاری خواهد داد. آنها می پرسند: چگونه می توانید ثابت کنید؟ و او می گوید در صورتی که یک حصیر را به دست پادشاه برسانید حتما آن را خواهد شناخت و به شما غنائم خواهد داد. و پسر پادشاه دست به کار می شود و یک حصیر می بافت. البته با این تفاوت که از هنر و حرفه خود استفاده کرده و در حصیر به اشکال مختلف آدرس محل اسارت را طراحی می کند. وقتی حصیر به دست پادشاه و همسر پسر پادشاه می رسد، آن را شناخته و با خواندن آدرس، محل اسارت پسر پادشاه و دیگر نیروهای خودی را یافته و دشمن را نابود می کنند.

این داستان به خوبی نمایان می کند که حرفه آموزی و هنر آموزی از دیر بار یک لازم برای ایرانیان بوده است.

شاید در دوران مدرن نیز اینگونه تلقی شود که حرفه آموزی سابقه ای کوتاه در بوشهر داشته باشد اما با نگاهی به تاریخ دبیرستان سعادت بوشهر در می یابیم که در حدود صد سال پیش دانش آموزان این دبیرستان علاوه بر تحصیل علوم روز اقدام به تولید اقلامی چون صابون نموده و با فروش آن بخشی از هزینه های مدرسه را تامین می کرده اند.

امروزه در دنیایی که با سرعت بسیار در حال تغییر است یادگیری عاوم مختلفی از ملزومات بشری است. فراموش نکنیم که حتی یونسکو نیز در تعریف علم به این خصوصیت رسیده است که دیگر خواندن و نوشتن سواد نیست بلکه استفاده از این دانش ها جز سواد است.

یادگیری حرفه جدید درهای جدیدی بر روی فرد باز می کند و اعتماد به نفس ایشان بالا می رود؛ البته نباید فراموش کنیم که حلقه مفقوده آموزش حرفه و مهارت ها، تشکیل شرکت های دانش بنیان است. با یادگیری یک حرفه، فرد می تواند برای خود اشتغال ایجاد کند اما در ادامه حرفه آموزی، با تشکیل شرکت دانش بنیان می توان علاوه بر رفع یک مشکل در کشور، ایجاد شغل برای چند نفر نیز اقدام کرد.

البته دانشگاه فنی و حرفه ای یک نهاد دانشگاهی است که تاکنون توانسته است بخش اول کار را با موفقیت انجام دهد لکن با همکاری نهادها و دستگاه های متولی می توان امیدوار بود که حلقه مفقوده حرفه آموزی در این دانشگاه حل شود.

دکتر محمود حیدریه (مدیرمسئول)

۵

داستان شهید بی ریاب (بخش اول)

به قلم: علیرضا حیدریه

۴

جایگاه مسئولیت

یکی از معضلاتی که امروزه بیش از پیش ذهن همگان را درگیر نموده است، انتصاب افراد غیرمتخصص، آفت بزرگی برای سازمان است.

به قلم: مجتبی تن زاده (مسئول روابط عمومی)



نشریه داخلی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر
مهر ماه ۱۴۰۱ _ شماره ۱۰ (ویژه نامه شروع سال تحصیلی جدید)

کار بدون علم، کم اثر است. علم بدون کار، بی اثر است.
مقام معظم رهبری



پیام رئیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

دکتر اکبر منصوری نسب رئیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر در آستانه شروع سال تحصیلی جدید با صدور پیامی، آغاز سال تحصیلی جدید که شروع فرا گرفتن دانش و مهارت در دانشگاه فنی و حرفه‌ای می باشد، محضر همه دانشجویان عزیز، استادان و کارکنان تبریک عرض می کنم و حضور دانشجویان نووارد را خوش آمد می گویم و آتیه درخشانی برای ایشان آرزومندم.

متن کامل این پیام به شرح زیر است :

آغاز سال تحصیلی جدید که شروع فرا گرفتن «دانش و مهارت» در دانشگاه فنی و حرفه‌ای می باشد، محضر همه دانشجویان عزیز، استادان و کارکنان تبریک عرض می کنم و حضور دانشجویان نووارد را خوش آمد می گویم و آتیه درخشانی برای ایشان آرزومندم.

باور دارم دانشگاه فنی و حرفه‌ای با استقرار رشته های تقاضا محور، نقش موثری در اشتغال پایدار با توانمندی های مهارتی دارد و واقعیت نرخ بالای اشتغال دانش آموختگان نشان می دهد که اخذ صلاحیت حرفه ای در دانشگاه فنی و حرفه‌ای عامل موثری در کارآفرینی و خلق ثروت دارد.

دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان با برنامه ریزی متقن و مطلوب، می تواند در تامین منابع انسانی کارآمد و مهارتی تاثیر مشهود و ماندگاری داشته باشد. امروزه با مسرت اعلام می دارم که دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان، دومین دانشگاه دولتی حضوری استان از نظر جمعیت دانشجو و اولین دانشگاه استان از نظر اشتغال دانش آموختگان است و با اقدامات مشهودی که در جهت تحقق مأموریت های دانشگاه صورت گرفته است، اعتماد و اعتبار آن افزایش یافته است. دانشگاه فنی و حرفه‌ای آمادگی دارد که در یک برنامه ریزی زمان بندی شده سهم اشتغال جوانان استان در راستای مهارت آموزی را افزایش دهد و فضای کسب و کار را در استان رونقی مضاعف دهد .

امیدوارم که استادان فرهیخته و همکاران ساعی و پرتلاش از تمام ظرفیت های «دانش و مهارت» در جهت تربیت دانشجویان کارآمد و اثرگذار در جامعه استفاده نمایند.

عزت بر طریق حق مستدام باد.

اکبر منصوری نسب

رئیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر

برنامه زمان بندی حذف و اضافه
نیمسال اول سال تحصیلی
۱۴۰۱ - ۱۴۰۲

جدول زمان بندی حذف و اضافه ۱۴۰۱-۱							
بازه اول							
تاریخ	۱۴۰۱/۰۷/۰۹	۱۴۰۱/۰۷/۱۰	۱۴۰۱/۰۷/۱۱	۱۴۰۱/۰۷/۱۲	۱۴۰۱/۰۷/۱۳	۱۴۰۱/۰۷/۱۴	۱۴۰۱/۰۷/۱۵
زمان	از ۷ صبح تا ۱۲	از ۷ صبح تا ۱۲	از ۷ صبح تا ۱۲	از ۷ صبح تا ۱۲	از ۷ صبح تا ۱۲	از ۷ صبح تا ۱۲	از ۷ صبح تا ۱۲
نیمسال ورود	ورودی ۹۹۱ و بالاتر	۹۹۲	۱۴۰۰-۱	۱۴۰۰-۱	۱۴۰۰-۱	۱۴۰۰-۲	همه ورودها (جامانده)
گروه آموزشی	هنر	هنر	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	علوم انسانی	هنر
	برق و کامپیوتر	برق و کامپیوتر	برق و کامپیوتر	برق و کامپیوتر	برق و کامپیوتر	برق و کامپیوتر	برق و کامپیوتر
بازه دوم							
زمان	از ۱۳ تا ۱۸.۵	از ۱۳ تا ۱۸.۵	از ۱۳ تا ۱۸.۵	از ۱۳ تا ۱۸.۵	از ۱۳ تا ۱۸.۵	از ۱۳ تا ۱۸.۵	از ۱۳ تا ۱۸.۵
نیمسال ورود	ورودی ۹۹۱ و بالاتر	۹۹۲	۱۴۰۰-۱	۱۴۰۰-۱	۱۴۰۰-۱	۱۴۰۰-۲	همه ورودها (جامانده)
گروه آموزشی	علوم مهندسی	علوم مهندسی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	علوم مهندسی	علوم مهندسی
	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری
بازه سوم							
زمان	از ۱۹ تا ۲۴.۵	از ۱۹ تا ۲۴.۵	از ۱۹ تا ۲۴.۵	از ۱۹ تا ۲۴.۵	از ۱۹ تا ۲۴.۵	از ۱۹ تا ۲۴.۵	از ۱۹ تا ۲۴.۵
نیمسال ورود	ورودی ۹۹۱ و بالاتر	۹۹۲	۱۴۰۰-۱	۱۴۰۰-۱	۱۴۰۰-۱	۱۴۰۰-۲	همه ورودها (جامانده)
گروه آموزشی	علوم مهندسی	علوم مهندسی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	علوم مهندسی	علوم مهندسی
	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری	ساختمان و معماری



تقدیم به شادروان بتول عبدی

برداشت اول

خانمی کوتاه قد می ایستد و مشکلاتی خود و دانشکده فنی و حرفه‌ای الزهرا(س) بوشهر را بیان می کند، خام رباط جزئی نیز مشکلات را یادداشت می کند. او را نمی شناسم. چون اسمش را نمی گوید و من نیز او را با نام خانم عبیدی می نامم. خیلی به مسائلی که مطرح می کند توجه نمی کنم شاید هیچ گاه به دنبال بیان مشکلات نبوده ام و ترجیح می دهم که برای بهبود کار پیشنهاد بدهم.

برداشت دوم:

ماشین خود را در پارکینگ دانشکده فنی و حرفه‌ای الزهرا(س) بوشهر می برم. زنی لاغر اندام که گرد و غبار و دردهای روزگار بر چهره اش سایه افکنده لنگان و لنگان به سمت در می آید. چین و چروک صورتش در آفتاب بوشهر موج انداخته است شاید خودش هم نمی داند که هر چینش نشان از درد پنهانی است. فرزندش را نیز تازه از دست داده است. خیلی با متانت صحبت می کند. شاید مجبور است که درد روزگار را پنهان کند؛ درد فرزند را پنهان کند تا شاید غبار روزگار کمی پاک شود. وقتی صحبت می کند صلابت در صدایش وجود دارد. حتی اجازه نمی دهد از ماشین پیاده شوم و در را ببندم. گاهی اوقات قبل از من زرنگی می کند و در را می بیند و من مثل همیشه از او تشکر می کنم.

برداشت سوم:

ساعت اینبار نه چهار بار نواخت بلکه سکوت کرد؛ فضای مجازی به ناگاه مرا به سمت وضعیت شماره های روز گویی می برد. وضعیت آقای تن زاده را می بینم؛ التماس دعا برای مریض دارد. تماس می گیرم مثل همیشه جواب نمی دهد. از همکاران می پرسم می گویند خانم عبیدی درکما است خبر اندوه ناک است. شاید از اینکه خانم عبیدی را به عنوان همکار بلکه به عنوان یک انسان بزرگ می پندارم. شرایط اش مساعد نیست. خانم ممسنی هم همین را می گوید. از خدا می خواهم خیر و صلاح ایشان که از نظر من همان سلامتی است به ایشان عطا شود اما من نمی دانم صلاح ایشان چیست. شاید خدا او را بیشتر از قبل دوست داشته باشد تا زودتر او را ببیند.

برداشت چهارم:

ماشین را در پارکینگ دانشکده فنی و حرفه‌ای الزهرا(س) بوشهر می گذارم. مثل همیشه دست بلند می کنم. اما دیگر ان زن لاغر اندام لنگ لنگان نخواهد آمد. دیگر دانشکده الزهرا(س) او را نخواهد داشت تا از جا برخیزد و همکاران را مشایعت نکند.

دیگر ساعت مثل شرایط دیگر آدم ها منتظر نمی ماند و می نوازد، دیگر خورشید کاری به بود ها و نبود ها ندارد و می تابد و ماه در آسمان چهره شهر را براق می کند.

یادمان باشد؛ فرصت کوتاه است؛ همدیگر را نرنجانیم.

دکتر محمود حیدریه

"جدایی"

از نفیر رفتنم

ناله جدایی

سرکشید

و

من به نیستان

بریده شده

بازگشتم

تا

در خاک اسیر

شده

حیات جاودانه یابم

روزگاری در کنار تان

بودم

دوستانی به غایت عزیز

که روزگارم خوش بود به بودنشان

اوج لذت دیدن همکار

زندگی ام را خوش کرده بود

صبح ها با عطر دیدن

دوستان

شروع می کردم

و با لذت دوستانم

روزگارم معنی می یافت

و اکنون

اسیر خاک شدم

با هزاران حسرت

جدایی

از دوست

دلهم تا همیشه

تنگ دیدنتان

خواهد بود

دکتر اکبر منصوری نسب - تقدیم به شادروان بتول عبدی

هرچه ذهنمان را برای پیدا کردن " کلمه " جستجو میکنیم تا برای نبودنت بنویسیم هیچ چیز جز گرمی رد پای اشک روی گونه هایمان حس نمی کنیم.

مهندس مجتبی تن زاده



"جایگاه مسئولیت"

به قلم: مهندس مجتبی تن زاده (مسئول روابط عمومی)

یکی از مواردی که همواره مبین تناسب در رسیدن به یک منصب می باشد، عبارت است از حصول جایگاه به قیمتی که خارج از اعتدال نبوده و نباشد بدین معنا از نظر دانش فنی، نگرش مدیریتی و کلیه پارامترهای تخصصی و سایر شرایط، نسبت به متقاضیان یا عناصر مرتبط با آن رشته یک سر و گردن فراتر باشد و از همه لحاظ مناسب ترین پیشنهاد باشد و در فرآیند انتصاب وی ایجاد رقابت برای احراز موقعیت مناسب و منطبق با شرایط، مد نظر قرار داده شده باشند.

یکی از معضلاتی که امروزه بیش از پیش ذهن همگان را درگیر نموده است، انتصاب افراد نامتناسب با جایگاه و به تبع آن بروز مشکلات و موانع متعدد می باشد، بعنوان مثال فردی که به جایگاه مدیر کلی رسیده یا به سمت ریاست یک سازمان در می آید، در حالی عناصر و عواملی توانمند تر از ایشان با نگرشی عمیق در دسترس می باشد، این مهم مطمئناً عواقبی زیان بار همراه خواهد داشت، یکی از مهم ترین آنها مقابله با هدف ها، سیاستها و خط مشی ها اجرایی و طرح های مشخص انسانهای توانمند می باشد.

امید آن می رود آینده پیش رو تناسب جایگاه در حدی والا گسترش پیدا کرده و به تبع آن پیشرفت و تعالی پدیدار شود.



برگزاری نشست بصیرتی با موضوع «سرمايه سازی دفاع مقدس برای کشور» در دانشکده فنی و حرفه ای دختران بوشهر

نشست بصیرتی با موضوع «سرمايه سازی دفاع مقدس برای کشور» با حضور مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان بوشهر در دانشکده فنی و حرفه ای دختران بوشهر برگزار شد.

نشست بصیرتی با موضوع «سرمايه سازی دفاع مقدس برای کشور» در روز چهارشنبه ششم مهرماه ۱۴۰۱ در سالن جلسات حوزه ریاست دانشکده فنی و حرفه ای دختران بوشهر با حضور مدیر کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان بوشهر برگزار شد.

سرهنگ علیرضا غربی مدیر کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان بوشهر ضمن گرامیداشت چهل و دومین سالگرد دفاع مقدس در نشست شورای دفاع مقدس در بوشهر اظهار داشت: دفاع مقدس برگرفته از عاشورا و اربعین حسینی است.

وی تصریح کرد: جنگ هشت ساله دارای آثار و برکات مهمی در ابعاد گوناگون داشت که انتقال این فرهنگ به نسل های کنونی و آینده یکی از ضروریات است.

وی با اشاره به نقش آفرینی زنان در دوران دفاع مقدس اضافه کرد: زنان حماسه های ماندگاری را خلق کردند و حضور برای پشتیبانی جبهه ها شکل دیگری از مشارکت آنها در این دوران بود.

زهره حاجیانی رئیس آموزشکده فنی و حرفه ای دختران بوشهر در این نشست ضمن گرامی داشت یادو خاطره شهدا و امام (ره) گفت: امروزه این اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی، مروه و مدیون خون شهداست. چه شهدای دوران دفاع مقدس و چه شهدای مدافع حرم و خون پاک این شهیدان موجب شده تا ما به اقتدار برسیم. اقتداری که برای ما امنیت و آرامش را به ارمغان آورده است.

وی افزود: آنچه موجب پیروزی ایران در هشت سال جنگ تحمیلی شد اتکا به دین، فرهنگ و تمدن ایران زمین بود لذا برای حفظ دستاوردهای انقلاب نیازمند صیانت از ویژگی هایی هستیم که باعث پیروزی ما علیه رژیم منقر شده است.

در ادامه نشست مدیر کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان بوشهر به اتفاق رئیس دانشکده فنی و حرفه ای دختران بوشهر و فرزانه دهقانی مدرس درس آشنایی با ارزش های دفاع مقدس به مناسبت هفته دفاع مقدس از کتابخانه و بخش کتب آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس آموزشکده فنی و حرفه ای دختران بوشهر بازدید نمودند.

در پایان این نشست از استاد فرزانه دهقانی مدرس درس آشنایی با ارزش های دفاع مقدس و فعال در حوزه علوم و معارف دفاع مقدس با اهداء لوح یادبود تجلیل به عمل آمد.

دانشگاه فنی و حرفه‌ای؛ نسل چهارم دانشگاه کارآفرین

وقتی سخن از نسل چهارم دانشگاه ها به میان می آید، شاید بد نباشد نسل های قبلی دانشگاه را نیز مرور مختصر کنیم.

به طور کلی، منظور از نسل بندی دانشگاه ها در ادبیات علمی، تغییر مأموریت آن ها براساس اهداف و برنامه هایی است که در دوره های مختلف برای حفظ جایگاه و مزیت های رقابتی در سطح جامعه طراحی می شوند. جهش نسلی در دانشگاه ها نه نافی نسل های پیشین، بلکه متضمن بقا و استحکام بنیان های هدفمندی است که دانشگاه ها بر آن بنیان ها استوارند. دانشگاه ها به عنوان سیستم هایی پویا و جریان ساز که اثرات توسعه ای گسترده ای در جامعه دارند، می بایست همسو با نیازهای واقعی موجود در کشور حرکت کنند و در طراحی اهداف، نگرش، چشم انداز و مأموریت های خود با بازار عرضه و تقاضا منطبق باشند.

نسل اول دانشگاه ها آموزش محور بودند و فعالیت مبتنی بر آموزش آن ها تا دهه اول انقلاب تداوم داشت. رسالت دانشگاه های نسل اول ارائه آموزش و صدور مدرک تحصیلی برای فارغ التحصیلان آموزش دیده بود.

دانشگاه های نسل دوم مباحث پژوهشی و کاربردی را در کانون توجه قرار دادند و به عنوان دانشگاه های پژوهش محور شناخته شدند. این نسل از دانشگاه ها تلاش کردند ضمن حفظ اهمیت آموزش، فعالیت های پژوهش محور را نیز تقویت کرده و توسعه دهند. افزایش تعداد مقالات در مجلات داخلی و ژورنال های خارجی و تحول در صنایع نتیجه فعالیت های این نسل از دانشگاه های کشور بود.

پیوند توانمند دانش و پژوهش به نحوی که منجر به کارآفرینی شود، در دستور کار دانشگاه های نسل سوم قرار گرفت تا در کنار تحقق اهداف نسل اول و دوم دانشگاه ها، دانشجویانی را تربیت کنند و فارغ التحصیلانی را به جامعه ارائه دهند که به موازات دانش اندوخته و پژوهش های کاربردی، نوآوری و خلاقیت را نیز به خدمت گرفته و کارآفرینی کنند. مصادیق و خروجی دانشگاه های این نسل که در گفتمان دانشگاهی، به دانشگاه های کارآفرین شهره اند، تجاری سازی علم و تأسیس شرکت های دانش بنیان است.

در حال حاضر، دانشگاه فنی و حرفه ای، بزرگ ترین دانشگاه دولتی نسل سوم، با ترسیم افق «نسل چهارم دانشگاه کارآفرین» به عنوان دانشگاهی تکامل یافته و تعالی گرا درصدد است ضمن گذر از نسل سوم دانشگاه ها گامی فراتر نهاده و فارغ التحصیلانی ماهر، متعهد و دغدغه مند تربیت کند که ضمن رویارویی با واقعیت های جامعه و مسئولیت پذیری اجتماعی، پاسخگوی مطالبات خود و جامعه بوده و به حل مسائل بپردازند. بی شک، تحقق این امر مهم به عوامل بسیاری بستگی دارد که از آن جمله می توان به ارتباط مؤثرتر با صاحبان صنایع، مشاغل و حرف و نیز، بازتولید برخی رشته های مهارتی مورد نیاز جهت تأمین بازارهای کار داخلی و جهانی اشاره کرد. در این مسیر، «تشکیل خوشه های کسب و کار از طریق دانشجویان دانشگاه فنی و حرفه ای» بسیار کارآمد و نقش آفرین است؛ همان طور که دکتر خسرویان، رئیس دانشگاه فنی و حرفه ای بر آن تأکید دارد و آن را تنها راه محرومیت زدایی و برون رفت از مشکلات اقتصادی می داند.

به قلم: دکتر فاطمه کواشی (روابط عمومی دانشگاه فنی و حرفه ای)



به قلم: علیرضا حیدریه

شهید بی ریا

خیلی وقتی میشد که رسول رو میشناختم. تقریباً از دو سه ماهی قبل از انقلاب میشد. اون موقعا ۱۶ سالم بود. حتی روز اشنایمون رو هم قشنگ یادمه. یادم میاد که همون موقع رسول خیلی جوان انقلابی بود. اون موقعا میومد تو مکان های عمومی و برای همه از دلایر مردی امام خمینی میگفت. همون موقعا بود که قرار بود بیاد تو یکی از سفره خونه ها. اونجا جایی بود که من میرفتم، اهل دود و دم نبودما ولی میرفتم اونجا پیش چند تا از دوستانم. اون روز طبق معمول حدوداً ظهر بود که رفتم سفره خونه. وقتی رسیدم اونجا خواستم طبق معمول برم ته سفره خونه که دیدم سر جام یکی نشسته. اول خیلی تعجب کردم ولی کمی بعد اروم حرکت کردم و رفتم کنار مرده نشستم. سلامی بهم کرد و کمی بعد سر صحبت رو باهام باز کرد بهم میگفت چرا اینجا میایی و از این حرفا خلاصه کمی بعد بهم گفت: امام خمینی رو میشناسی؟ منم گفتم: نه. کمی بعد گفت: شاه رو چی میشناسی؟ من خنده ای کردم و گفتم: کم و بیش. دیگه بعدش سکوت کرد و چند لحظه بعد شروع کرد به گفتن از امام خمینی به گفتن از رشادتااش به گفتن از تمام خصوصیات و اخلاقش خلاصه به حدی گفت که من شیفته اخلاقیات و خصوصیات امام شد. همونجا بهش گفتم منم میخوام کمک کنم. لبخندی زد و پا شد و رفت و بهم گفت: همینکه عاشق و شیفته امام شدی خودش بزرگترین کمکه و بعد از گفتن این جمله رفت. دیگه از اون روز ندیدمش تا حدوداً سال ۶۴. اون موقع من نزدیک به ۳ سال رو تو جبهه میگذروندم. حدوداً به سال که تو کمپ تمرینی بودم و تقریباً ۸ ماهی رو هم اونجا کمک مریومون میکردم. بعد از اون دیگه رسماً وارد جبهه شدم. با بدی و خوبی هاش ساخته بودم و تو تمام روزا کمک حال بچه ها بودم. جبهه برام به حس قشنگی داشت. حس عجیب زیبا. تقریباً سال ۶۴ بود، اون موقع قرار بود که یه سری از بچه ها رو بفرستن یه پایگاه دیگه. اون موقع تو پایگاه شور عجیبی همه رو گرفته بود همه میخواستن بدونن که رفتن یا نه. خلاصه بعد از مدت ها فرمانده پایگاه آمد و به همه خبر داد که قراره لیستی از کسانی که قراره به پایگاه دیگه برونند به ما بده. لیست رو خوند تا نفر اخر رسید و اون شخص من بودم. خیلی ناراحت بودم باید از پیش دوستانم میرفتم. از پیش هم دوره هام. خیلی ناراحت و غمگین بودم حتی تا پایگاه جدید هم تو حال خودم نبودم. تو این پایگاه قرار بود که جز نیرو های اطلاعاتی بشیم. خلاصه رسیدیم به پایگاه. اونجا قرار بود که فرمانده پایگاه جدید بیاد برامون حرف بزنه. وقتی اومد تا سرم رو بالا اوردم و چهرشو دیدم به دلم افتاد که اشناست ولی هنوز برام شک داشت. حتی رنگ صداش هم اشنا بود. هیچی نگفتم تا سخنرانیش تموم بشه وقتی تموم شد اروم رفتم سمتش و بعد از احوالپرسی ازش پرسیدم شما قبلاً چیکار میکردید؟ بهم گفت ما چه قبلاً چه امروز سرباز رهبریم بودیم و هستیم و بعد با لبخندی دور شد. بعد از من خوشش اومد و منو به عنوان معاون انتخاب کرد. تا مدت زمانی میشد که نمیدونستم کیه. سه سال عین برق و باد گذشت تا اینکه به سال ۶۷ رسیدیم. داشتیم برای عملیات نصر ۵ آماده میشدیم. عملیات سختی بود. درست حوالی تیر ماه بود. عملیاتی که پیروزی توش واقعا حیرت انگیز بود. شب ها هم خواب درستی نداشتیم. تا روز عملیات جبهه در حال تقویت خودش بود. روز قبل عملیات ما رفتیم تا اطلاعاتی رو از دشمن در آخرین مرتبه خودش بگیریم. ما تا وسط های راه رفته بودیم که صدای پا از سمت جلو به گوش رسید. ترسیدیم. رفتیم عقب و درست در همون لحظه صدای پای دیگه ای از عقب اومدم. دیگه راهی برای فرار نبود. شروع به تیر اندازی کردیم. نیرو های دشمن خیلی بودند و از لحاظ تعداد به ما برتری داشتن. در همین حال من به پام تیر خورد و افتادم. رسول اومد که بالای سر من و در اون موقع اونم تیر خورد، دیگه از هوش رفتم و زمانی که بیدار شدم خودمو بین عراقی ها تو پایگاه اسرا دیدم. اولش خیلی نگران همزمان بودم. تا بلند شدم با دست یک سرباز عراقی دوباره به تخت کوبیده شدم. بعد از مدتی منو بردن تو یه اتاقی، اونجا رسول رو دیدم که رو تخت نشسته بود و مفاتیحی میخوند. در دست دیگرش هم یک تسبیح بود. یک از همزمان محمد محمدی رو هم میدیدم. یه لحظه نگاهم به محسن جوادی افتاد. محسن فرمانده پایگاه پنجم سپاه و بزرگتر از هممون بود. وقتی رفتم داخل اتاق رسول به من گفت که برم سمتش. رفتم سمتش و بعد از کمی مکث بهم گفت: یادته قبل از انقلاب یکی اومد تو رو به این راه کشوند؟ من گفتم چرا یادم نره؟

_ الان میدونی کجاست؟

_ نه نمیدونم.

_ اون روز که اومدی تو رو به یاد اوردم چون اون روز از تو خیلی خوشم اومد و همیشه به یادت داشتم. الان هم خواستم بدونی چون شاید از این مهلکه جون سالم بدر نبریم.

من اون لحظه به خودم گفتم: یا خدا. پس برای همین برام اشنا بود. کمی بعد بهم گفت حالا برو بخواب که فردا روز سختی داریم چون امروز شنیدم داشتن درباره فردا و ا با هم دیگه حرف میزدن.

همونجا بود که رسول سکوت کرد و دیگر چیزی نگفت. رسول خوابید و من هم خوابیدم. صبح که بیدار شدیم یکی در زد و به عربی گفت: آقای محمدی، بلندشو. آقای محمدی یکی از همزمان بود که اسمش محمد محمدی بود. محمد هم از تعجب دهنش باز مونده بود. کمی بعد بلند شد و رفت بعد که برگشت گفت: آقای زرگر بیاد. این دفعه نوبت من بود. نمی دونستم برای چی دارن منو می رن. من که به ظاهر عضو ساده اطلاعات هستم. بلند شدم و همراه نگهبان آهسته راهروها را رد کردیم و رسیدیم به یک اتاقی که در چوبی قهوه ای رنگی داشت و وسط اتاق یک میز کوچک بود و پشت میز هم یک مردی که به نظر می اومد لبخند زده نشسته بود. من اتاق را نگاه کردم بعد از آن نشستم کنار بازجو یک نفر بود که حرف ها را ترجمه می کرد. مرد عراقی به من گفت اسمت چیه؟ منم گفتم: رضا زرگر.

ادامه داستان در شماره های بعدی

به قلم: الینا حیدریه

امام رضا جان

سلام من خیلی حرف ها با شما دارم امام نمی دانم از کجا شروع کنم اول این که خیلی دلم برایت تنگ شده. دلم می خواهد شما زود مرا دعوت کنی تا به زیارت شما بیایم.

امام رضا جان من هر وقت برای شما نامه می نویسم یا نقاشی می کشم انگار شما زنده هستید و نامه و نقاشی مرا می گیرید.

امام رضا جان من از شما دو قاب عکس دارم یکی از عکس ها را روی میزم گذاشتم تا همیشه شما را ببینم و با شما صحبت کنم.

امام رضا جان من شما را از ته دلم دوست دارم شما برای من و تمام مسلمانان جهان الگو هستی امام رضا جان به من گفته اند که به شما ضامن آهو می گویند چون در یک روز یک آهو در دام شکارچی می افتد و شما به آن شکارچی می گویند بگذار آن آهو برود و به بچه خود غذا بدهد و بعد برمی گردد .

امام رضا جان شما به ما یاد داده اید که نه تنها با پدر و مادر خود و با مردم مهربان باشیم بلکه با حیوانات هم مهربان باشیم. امام رضا جان من هر وقت از حرمت بیرون می آیم دعا می کنم که باز به حرمت بیایم. اما رضا جان من آرزو می کنم که هر روزه حرمت بیایم.





نشریه داخلی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر
مهر ماه ۱۴۰۱ _ شماره ۱۰ (ویژه نامه شروع سال تحصیلی جدید)

کار بدون علم، کم اثر است. علم بدون کار، بی اثر است.
مقام معظم رهبری

۶

راه های ارتباطی / روابط عمومی دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر
<https://bushehr.tvu.ac.ir> (وب سایت)
<https://eitaa.com/bushehrtvuacir> (ایتنا)
<https://sapp.ir/bushehr.tvu.ac.ir> (سروش)
<https://www.instagram.com/bushehr.tvu.ac.ir> (اینستاگرام)
<https://www.aparat.com/bushehr.tvu.ac.ir> (آپارات)

گاهنامه فرهنگی، دانشجویی، اجتماعی و علمی
صاحب امتیاز دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر
مدیر مسئول دکتر محمود حیدریه
سر دبیر مجتبی تن زاده
گرافیست مجتبی تن زاده

معرفی دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر

دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشگاهی به وسعت ایران زمین. دانشگاه فنی و حرفه‌ای تنها دانشگاه دولتی معتبری آموزش های مهارتی کشور، نقش مهمی در ایجاد اکو سیستم کارآفرینی و فضای کسب و کار دارد.

دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر ربع قرن سابقه تاسیس، پیشرو و در تربیت تکنسین های ماهر و پنجه های کارآمد دارد.

دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر با داشتن ۳ آموزشکده پسرانه امام خامنه ای، دخترانه الزهرا(س) و دانشکده کنگان قریب به ۲۸۰۰ دانشجو در

گستره ۱۴هکتار در مرکز استان و جنوب استان بوشهر حضور بایسته و با نشاط دارد.

ایران سال ها دانشگاه های نسل سوم استراتژی کارآفرینی و مهارت ورزی را محور توسعه جوامع دانسته اند.

همکنون دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر دارای ۳۷ رشته می باشد. این دانشگاه با ۲۳ رشته کاردانی و ۱۱ رشته کارشناسی ناپیوسته و ۳ رشته

کارشناسی پیوسته سال هاست که بلافاصله پس از تحصیل نیاز صنعت و بازارکار را به نیروی متخصص و ماهر تامین می نماید.

دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان بوشهر با دارا بودن کارگاه ها و آزمایشگاه های با کیفیت و تجهیزات بروز متناسب با سرفصل های آموزشی و دارای

مرکز کارآفرینی و کانون شکوفایی خلاقیت و نوآوری جهت استقرار حمایت از ایده های دانشجویان و دانش آموختگان و معرفی به بازارکار است.

